

ده درس امر به معروف

سیمای امر به معروف

- امر به معروف، نشانه عشق انسان به مکتب، علاقه انسان به سلامت جامعه، نشانه فطرت بیدار جامعه، غیرت دینی و احساس مسئولیت، حضور در صحنه، مایه تشویق نیکوکاران جامعه و تذکر و آگاه کردن افراد جاهل است.

- امر به معروف و نهی از منکر، گاز و ترمزی است که ماشین جامعه را هدایت می‌کند.

- امر به معروف، سبب دلگرمی و تقویت افراد کم اراده و نهی از منکر، جبران کننده کمبود تقوای بعضی از افراد جامعه است.

- امر به معروف، جامعه را رشد می‌دهد و نهی از منکر، جامعه را از سقوط نجات می‌دهد.

- امر به معروف و نهی از منکر، نوعی نظارت عمومی است.

ریشه‌های فطری و غریزی

پدران و مادران در طول تاریخ، فرزندان خود را به کارهایی واداشته و از کارهایی نهی کرده‌اند. مسأله امر و نهی و تشویق و هشدار، ریشه در درون هر انسانی دارد و مربوط به زمان و مکان و یا نژاد و منطقه خاصی نمی‌شود و هر مسأله‌ای این گونه فراگیر باشد، نشان از فطری بودن آن دارد.

هشدار و اخطار و فریاد در برابر خطرها و انحراف‌ها، مخصوص انسان نیست. در قرآن می‌خوانیم: «وقی مورچه‌ای دید حضرت سلیمان با لشگرش در حرکتند، فریاد زد و به سایر مورچگان گفت: به لانه‌های خود بروید تا پایمال نشوید» (سوره نمل، آیه 18)

و هنگامی که هدهد در پرواز خود از فضای کشور سبا متوجه انحراف مردم شد و دریافت که مردم خورشید پرستند، نزد حضرت سلیمان آمد و از این انحراف شکایت کرد. (سوره نمل، آیه 24).

بنابراین، فریاد در برابر انحراف و دلسوزی برای دیگران، نه تنها مسأله‌ای فطری برای انسان‌هاست، بلکه ریشه‌ای غریزی در حیوانات نیز دارد.

جایگاه امر به معروف در قرآن و روایات

این موضوع از همان روزهای اول بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله مورد عنایت اسلام بوده است. سوره والعصر که اوائل بعثت در مکه نازل شده است، در جمله: «تَوَاصُوا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصُوا بِالصَّبْرِ»، اشاره به امر به معروف می‌کند و از مؤمنان می‌خواهد تا یکدیگر را به کارهای حق و پایداری در راه خدا سفارش کنند.

اولین وظیفه انبیا

قرآن می‌فرماید: «ما در میان هر امتی، پیامبری را مبعوث کردیم که مهم‌ترین وظیفه او دو چیز بود: یکی امر به یکتاپرستی که بزرگ‌ترین معروف‌هاست «أَنْ اغْبُدُوا لِلَّهِ»، و دوم نهی از اطاعت طاغوت‌ها که بزرگ‌ترین منکرهاست. «اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (سوره نحل، آیه 36).

نشانه بهترین امت

قرآن خطاب به مسلمانان می‌فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ» شما بهترین امتی هستید که بر مردم ظاهر شده‌اید؛ به شرط آنکه امر به معروف و نهی از منکر کنید. سوره آل عمران، آیه 110.

امر به معروف کاری است که خداوند انجام می‌دهد: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ» (سوره نحل، آیه 90). چنانکه امر به منکر کار شیطان است: «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَ يَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ» (سوره بقره، آیه 268) امر به معروف یک وظیفه عمومی است. قرآن می‌فرماید: تمام مردان و زنان با ایمان نسبت به یکدیگر حق ولایت دارند تا یکدیگر را به معروف سفارش کنند و از منکر باز دارند. (سوره توبه، آیه 71).

البته همواره در قرآن، امر به معروف، مقدم بر نهی از منکر به کار رفته است تا بفهماند که کارها را از راه مثبت پیگیری کنید و در جامعه، تنها انتقاد کننده نباشید.

قرآن می‌فرماید: «و لتكن منكم امة يدعون الى الخير و يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر» (8) از میان شما، گروهی باید دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر کنند.

حساب این گروه از حساب وظیفه عمومی جداست. این دسته باید با قدرت و امکانات وارد عمل شوند و جلوی منکرات را بگیرند. چنانکه اگر ماشینی در خیابان یک طرفه بر خلاف مسیر حرکت کند، دو وظیفه وجود دارد: یکی وظیفه عموم رانندگان که تخلف او را با بوق و چراغ به او بفهمانند و یک وظیفه هم پلیس دارد که او را جریمه کند. (سوره آل عمران، آیه 104)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: آمران به معروف، جانشینان خدا در زمین هستند. (نمونه، ج 3، ص 38).

امیر المؤمنین علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید: تمام کارهای خیر و حتی جهاد در راه خدا، نسبت به امر به معروف مثل رطوبت دهان است نسبت به آب دریا. (نهج البلاغه، حکمت 374)

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: امر به معروف و نهی از منکر برای عموم مردم یک مصلحت است (تا انگیزه آنان را نسبت به کار خیر زیاد کند)، و نهی از منکر برای افراد نابخرد که گرایش به انحراف در آنان زیاد است وسیله کنترل قوی است. (نهج البلاغه، حکمت 252)

در حدیث می‌خوانیم: بهترین دوست آن است که هنگام خلاف، مانع تو شود و بدترین دوست آن است که به تو تذکر ندهد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: بهترین دوست من کسی است که عیب‌های مرا به من هدیه کند.

همچنین فرمود: کسی که بتواند جلوی مفسد را بگیرد، ولی نگیرد، گویا دوست دارد که خداوند متعال معصیت شود. چنین کسی اعلام دشمنی با خدا کرده است. (مستدرک، ج 2، ص 357).

حضرت ابراهیم که عموی خود را بت پرست می‌دید، برای بازداشتن او از این کار به او گفت: این مجسمه‌هایی که شما پایبند عبادت آنها شده‌اید، چه معنا دارد؟ «إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَ قَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ» (سوره انبیاء، آیه 52).

از این بیان بسیار کوتاه، به چند اصل مهم در امر به معروف و نهی از منکر پی می‌بریم:

- 1- کسی که امر به معروف می‌کند، باید از رشد و کفایت خاصی برخوردار باشد.
- 2- در امر و نهی شرط سنی وجود ندارد. «قَالَ لِأَبِيهِ»
- 3- امر و نهی را از نزدیکان شروع کنیم. «قَالَ لِأَبِيهِ»
- 4- در نهی از منکر، ابتدا از منکرات بزرگ شروع کنیم. «مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ»
- 5- در امر و نهی، مردم را به کرامت و شخصیت خودشان متوجه سازیم. «أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ»
- 6- در نهی از منکر، گاهی باید یک نفر در برابر گروهی قرار گیرد. «لِأَبِيهِ وَ قَوْمِهِ»
- 7- در امر و نهی با شیوه سؤال، وجدانها را بیدار کنیم. «مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ»
- 8- در امر و نهی، قاطعیت و صراحت داشته باشیم. «أَنْتُمْ وَ آبَائِكُمْ»

آثار و برکات امر به معروف و نهی از منکر

الف: برکات معنوی

1- اصلاح خود انسان

حضرت علی علیه السلام به فرزندش فرمود: امر به معروف کن تا اهل معروف باشی. (نهج البلاغه، نامه 31) همان گونه که هرکس لباس می‌شوید، دست خودش نیز پاک می‌شود.

2- شرکت در پاداش نیکی‌ها

در روایات متعدد می‌خوانیم: هر کس مردم را به کار خیر راهنمایی و سفارش کند، در پاداش آنان شریک است، بدون آنکه از اجر عامل کاسته شود. چنانکه هر کس دیگری را به کار خلاف و انحراف دعوت کند، در کیفر او شریک است. وسائل الشیعه، ج 11 ص 398.

3- نجات از قهر خدا

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هر کس منکر و خلافی را دید و قلباً از آن ناراحت شد، همانا از قهر خدا نجات پیدا کرده و تن به سلامت برده است و هرکس با زبان از کار خلاف نهی کرد، به پاداش رسیده است. (وسائل الشیعه، ج 11، ص 405).

ب: برکات اقتصادی

قرآن می‌فرماید: «اگر مردم ایمان آورند و تقوا پیشه کنند (که یکی از مصادیق تقوی امر به معروف و نهی از منکر است) به طور قطع، برکاتی از آسمان و زمین بر آنان خواهیم گشود» (سوره اعراف، آیه 96)

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: با امر به معروف و نهی از منکر، کسب‌ها حلال و زمین‌ها آباد می‌شود. (تفسیر نمونه، ج 3، ص 38).

اگر در برابر کم فروشی‌ها، گرانفروشی‌ها، رباخواری‌ها و حیله و تزویرها همه افراد حساس باشند، بازار اصلاح می‌شود.

رسول اکرم صلی الله علیه وآله به ابن مسعود فرمود: «با گناهکاران معامله نکنید! اگر مسلمانان به همین جمله عمل کنند، یعنی تجار خلافکار را بایکوت و همه بر ضد آنان اعتصاب کنند، او مجبور است خود و تجارتش را اصلاح کند.»

ج: برکات اجتماعی

قرآن، جامعه‌ای را رستگار می‌داند که امر به معروف و نهی از منکر در آن زنده باشد. (21) آل عمران، 104. صالحانی را که ما در هر نماز با جمله «السلام علینا و علی عباد الله الصالحین» بر آنان درود می‌فرستیم، کسانی هستند که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند. (سوره آل عمران، آیه 114).
اگر امر به معروف و نهی از منکر ترک شود، بتدریج اشرار حاکم خواهند شد و کار به جایی خواهد رسید که خوبان هر چه فریاد زنند، پاسخی نشنوند. (تهذیب، ج 6، ص 176).
امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خود فرمود: اگر شما دور بنی عباس را نمی‌گرفتید، آنها ما را خانه نشین نمی‌کردند. سکوت شما ما را خانه نشین کرد. (وسائل الشیعه، ج 12، ص 144).
اگر امروز همه کشورهای اسلامی بر سر اسرائیل غاصب فریاد زنند، او مناطق تحت اشغال خود را به اعراب پس می‌دهد.

مراحل امر به معروف و نهی از منکر

مرحله اول: انسان قلباً از اینکه معصیت خدا شود، ناراحت باشد و کار خلاف را در روح خود منکر بداند و از آن متنفر باشد. در این مرحله، احدی معاف نیست.

مرحله دوم: با زبان به خلافکار هشدار دهد و به خوبی‌ها سفارش کند. قرآن می‌فرماید: کیست بهتر از آن که به سوی خدا دعوت کند و کردار خودش نیکو باشد. (سوره فصلت، آیه 33).

مرحله سوم: اگر بیان اثر نکرد، با قدرت جلو خلاف گرفته شود.

اصل تأثیر

امر به معروف و نهی از منکر، برای تأثیر است؛ یعنی بینیم که خلافکار از چه طریقی از کردار خود دست برمی‌دارد، از همان راه وارد شویم. آنچه اسلام از ما خواسته، منع از منکرات و سفارش به معروف‌هاست؛ ولی

شیوه انجام آن تعبدی نیست؛ یعنی اینکه به چه نحو باشد؟ در چه زمان باشد؟ با چه وسیله باشد؟ از طرف چه کسی باشد؟ به چه شکل باشد؟ تعبدی نیست اسلام، اینها را به عقل واگذار کرده تا بهترین و سریعترین راه را برای تأثیر پیدا کند.

بزرگان، شرط وجوب امر به معروف را احتمال تأثیر دانسته‌اند. یعنی اگر بدانید که اثر نمی‌کند، بر شما واجب نیست.

شرط احیای سرمایه‌های درونی برای پذیرش

1- ایمان به خدا

بهترین وسیله برای پذیرش امر به معروف و نهی از منکر، تحکیم عقیده به مبدأ و معاد است.

برای مثال، به کسی که وارد منزلی می‌شود، زمانی می‌توان گفت: این کار را بکن و این کار را نکن! که عقیده داشته باشد: منزل صاحبی دارد، حسایی در کار است و کارهای او در منزل زیر نظر است. البته بعضی افراد ایمان دارند، ولی فراموشکارند؛ لذا هم ایمان لازم است و هم توجه.

قرآن درباره بعضی می‌فرماید: خدا را فراموش می‌کنند و یا قیامت را به فراموشی می‌سپارند. کسی که خدا را ناظر و فرشتگان او را مأمور ثبت و ضبط کار خود بداند و توجه داشته باشد که در روز قیامت خداوند پرونده اعمال انسان را جلو روی او خواهد گذاشت و او باید پاسخگوی همه کارها، بلکه افکار و نیات خود باشد، چنین فردی دست به گناه نمی‌زند.

2- تشکر از خداوند

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: حتی اگر خداوند برای گناه، کیفر دوزخ قرار نمی‌داد، لازم بود که انسان به خاطر تشکر از آن همه الطاف او، از گناه و مخالفتش دوری کند. (نهج‌البلاغه، حکمت 282).

3- توجه به نظارت اولیای خدا

در اصول کافی، روایات متعددی نقل شده است مبنی بر اینکه: در هر هفته، اعمال انسان به امام زمان علیه السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرضه می‌شود و آن بزرگواران را خشنود یا ناراحت می‌کند.

4- توجه به آثار شوم گناه

قرآن می‌فرماید: «ما أصابكم من مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ». هر مصیبت که به شما می‌رسد، به خاطر عملکرد خودتان است. سوره شوری، آیه 30

آشنایی با تاریخ و زندگی اقوام گذشته که اهل منکر بودند، انسان را به دوری از منکرات می‌کشاند.

در قرآن کریم دهها آیه در این زمینه آمده است: (34)

«فَأَهْلَكْنَا هُم بِذُنُوبِهِمْ» (34) ما فلان قوم را به خاطر گناهانش هلاک کردیم. سوره انعام، آیه 6.

«فَأَهْلَكُوا بِالطَّاغِيَةِ» (35) طغیان مردم سبب نابودی آنان است. سوره حاقه، آیه 5.

«وَمِنْهُمْ مَن أَعْرَفْنَا» (36) قومی را در آب غرق کردیم. سوره عنکبوت، آیه 40.

«فَأَخَذْتُهُمْ صَاعِقَةً الْعَذَابِ» گروهی را با صاعقه نابود کردیم. سوره فصلت، آیه 17.

«بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ» (38) جمعی را با باد سرد کننده هلاک کردیم. (سوره حاقه، آیه 6).

«جَعَلْنَا عَلَيْهَا سَافِلَهَا» شهر قومی را زیر و رو کردیم. سوره هود، آیه 82.

آشنایی با این هشدارها، یکی از عوامل دست برداشتن از منکرات و کفر و طغیان است. تمام آیاتی که سفارش به سیر در زمین و نگاه همراه عبرت کرده و تمام آیاتی که ما را به مطالعه عاقبت کار نیکوکاران یا فاسدان دعوت کرده، به همین منظور است.

5 - توجه به برکات معروف

آشنایی با منافع و آثار خوبی‌ها، انسان را برای انجام معروف آماده می‌سازد. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: اگر مردم زیبایی‌های سخنان ما را بدانند، حتماً پیرو ما می‌شوند. (وسائل‌الشیعه، ج 18، ص 65).

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: خداوند متعال به موسی وحی کرد: من به خاطر تلاش پدران به فرزندان لطف می‌کنم. اگر پدران نیکوکار باشند، به فرزندانشان خیر و برکت می‌رسد؛ اما اگر شرور باشند، به فرزندانشان شر می‌رسد. (بحارالانوار، ج 13، ص 296)

نمونه برکات

* احسان به مردم، سبب احسان خداوند و مردم به ما می‌شود. (سوره اسراء، آیه 7.

* صدقه دفع بلا می‌کند. (غررالحکم).

* زکات، مال را بیمه می‌کند. (بحارالانوار، ج 10، ص 99.

* عفو مردم، کلید عفو الهی است. (سوره نور، آیه 22).

* صلہ رحم، عمر را طولانی می‌کند. (غررالحکم).

* نماز، انسان را از فحشا و منکر باز می‌دارد. (سوره عنکبوت، آیه 45).

* کارهای نیکو، گناهان را از بین می‌برد. (سوره هود، آیه 114).

* روزه، وسیله سلامتی است. (بحارالانوار، ج 62، ص 67.

* قناعت، کلید عزت است. (غررالحکم).

* یاد خدا، تنها وسیله آرامش است. (سوره رعد، آیه 28.

آری، برای گسترش و احیای معروف‌ها باید مردم را با آثار و برکات دنیوی و اجر اخروی آنها آشنا کنیم.

جامعه ساکت مرده است

قرآن می‌فرماید: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ» اگر قاتل را به قصاص رساندید، زنده‌اید. (بقره 179)

در حدیث می‌خوانیم: کسی که در برابر خوبی‌ها و بدی‌ها بی‌تفاوت است، مرده‌ای است که در میان زنده‌ها نفس می‌کشد. (تهذیب‌الحکام، ج 6، ص 181).

سکوت در برابر گناه نتیجه‌ای جز خسارت ندارد. براساس سوره عصر، حتی کسانی که اهل ایمان و عمل صالح‌اند ولی ساکت باشند و دیگران را به حق و صبر سفارش نکنند، در خسارت‌اند.

در قرآن می‌خوانیم: اگر گروهی از مردم جلو فتنه و فساد دیگران را نگیرند، همه زمین به فساد کشیده می‌شود. (سوره بقره، آیه 251).

در حدیث آمده است: اگر گناه مخفیانه انجام شود، خطری برای همه مردم ندارد؛ ولی اگر گناه آشکارا انجام شود و مردم قدرت برخورد داشته باشند، ولی ساکت بمانند، خداوند همه را مورد قهر و عذاب خود قرار می‌دهد. (کنز العمال، حدیث 5515).

چنانکه در قرآن می‌فرماید: از فتنه‌هایی که آتش آن همه را می‌سوزاند، بترسید! (انفال 25)

بر اساس روایات: اگر مردم امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند، اشرار بر آنان مسلط خواهند شد و دعاها و ناله‌ها دیگر اثر نخواهد داشت. (نهج البلاغه، نامه 47).

گاهی سکوت در برابر گناه، نشانه رضایت است که در این صورت بر اساس آیات و روایات، این گونه افراد شریک گناهکار حساب می‌شوند.

خداوند به یهودیان زمان پیامبر خطاب می‌کند که: «چرا شما انبیای پیشین را کشتید؟» در حالی که نیاکان آنان پیامبران را کشته بودند، ولی چون نسل آنها به کار پدران خود راضی بودند، خداوند، فرزندان را به کردار پدران مورد عتاب و انتقاد قرار می‌دهد. (سوره آل عمران، آیه 183).

با اینکه قاتل حضرت علی علیه السلام یک نفر به نام ابن ملجم بود، ولی در شب نوزدهم ماه رمضان سفارش کرده‌اند که صد مرتبه بگویید: «اللهم العن قتلہ امیر المؤمنین» خدایا! قاتلان علی را لعنت کن! زیرا بسیاری دیگر نیز به این کار راضی بودند.

سیمای افراد ساکت در قیامت

در حدیث می‌خوانیم: پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «به خدایی که جانم در دست اوست، از امت من گروهی از قبر برمی‌خیزند؛ در حالی که در قیافه بوزینه و خوک هستند. این قیافه‌ها به خاطر آن است که آنان قدرت بر نهی از منکر داشته، ولی با گناهکاران سازش کردند». (کنز العمال، ج 3، ص 83.62)

کسانی که سکوت را شکستند!

ابن سکیت از یاران امام رضا، امام جواد و امام هادی علیهم السلام و در عین حال معلم فرزندان متوکل، خلیفه عباسی بود. روزی متوکل از او پرسید: «فرزندان من بهترند یا حسن و حسین، دو فرزند علی بن ابیطالب»

او سکوت چندین ساله را شکست و گفت: «قنبر غلام علی از تو و فرزندان بهتر است، تا چه رسد به حسن و حسین!»

متوکل که هرگز توقع شنیدن چنین سخنی را نداشت، به شدت عصبانی شد و دستور قتل او را صادر کرد.
(مستدرک سفینه البحار، ج 5، ص 80).

توجیحات بهانه‌جویان

1- گناه دیگران، به ما کاری ندارد

بعضی می‌گویند: «عیسی به دین خود، موسی به دین خود»، «من و گناهکار را که در یک قبر نمی‌گذارند»، لذا در برابر باطل ساکت می‌مانند، در حالی که جرم در جامعه قابل سرایت است. یک نفر سیگاری هوای محیط را آلوده می‌کند. دروغ نیز جوّ بی‌اعتمادی را بر جامعه حاکم می‌کند. گناه در جامعه مثل سوراخ کردن کشتی است، همین که آب وارد شد، همه را غرق خواهد کرد.

2- مانع آزادی مردم است

بعضی می‌گویند: امر به معروف و نهی از منکر، نوعی دخالت در امور شخصی مردم و سلب آزادی از آنان است، در حالی که معنای آزادی آن نیست که هر کس هر کاری انجام دهد؛ زیرا این نه با عقل سازگار است و نه هیچ فرد و جامعه و رژیم به آن تن می‌دهد.

آزادی در چهارچوب قانون و عقل و فطرت معنا دارد؛ وگرنه می‌شود هرج و مرج و بی بند و باری. در زندگی اجتماعی، آزادی باید بر اساس سلامت جامعه و مقررات فراگیر معنا شود. فرمان پلیس در مورد حرکت یا توقف اتومبیل‌ها برای اصلاح امر ترافیک، در همه جای دنیا پذیرفته شده است و کسی آن را مخالف آزادی نمی‌داند، در حالی که کار پلیس نوعی امر به معروف یا نهی از منکر عملی است.

3- حیا و خجالت

گاهی فرد خجالت می‌کشد و حیا می‌کند از اینکه تذکر دهد و جلوی منکری را بگیرد. این نوع حیا در روایات اسلامی مورد انتقاد است و باید این صفت را از خود دور کرد.

4- ترس

برخی افراد می‌ترسند که مشتری و خریدار آنان کم شود؛ یا دوستانشان را از دست بدهند؛ یا به حرفشان اعتنایی نشود؛ یا مورد تهدید قرار گیرند و یا مردم از کار آنان انتقاد کنند. در حالی که در روایات متعدد

آمده است: «امر به معروف و نهی از منکر کنید و نترسید؛ زیرا نه رزق شما قطع، و نه مرگ شما نزدیک می‌شود». (میزان الحکمه، ج 6، ص 263).

5 - با یک گل بهار نمی‌شود

گاهی سکوت دیگران، انسان را به سکوت وا می‌دارد و می‌گوید: من که به تنهایی نمی‌توانم کاری بکنم، اگر همه بگویند، من هم می‌گویم. در حالی که امر به معروف در آن فضای مرگبار و ساکت، پاداش بیشتری دارد. در حدیث می‌خوانیم: «بهترین جهاد، کلمه حقی است که انسان در برابر فرد ستمگر بگوید»

6- انحراف فکری

بعضی افراد می‌گویند: اگر خدا می‌خواست، خودش جلوی این افراد را می‌گرفت و توبیخشان می‌کرد، لابد خدا خواسته است که این کارها باشد. به ما چه ربطی دارد که مانع شویم؟

این منطق نظیر آن است که بگوییم: اگر فلان کار خوب است، چرا خدا خودش انجام نمی‌دهد؛ اگر سیر کردن گرسنگان خوب است، خدا خودش به آنان روزی دهد؛ چرا ما خرج آنان را بپردازیم؟ (یس، آیه 47)

گویا این افراد از اینکه خداوند مردم را مختار آفریده تا هر کس به انتخاب خودش عمل کند و آزمایش خودش را پس بدهد، غافلند.

7- توقع نابجا

بعضی می‌گویند: نگرانیم که به گفته ما عمل نشود. این توقع نابجا است؛ مگر مردم همه سخنان انبیا و امامان معصوم را گوش دادند؟

رسول اکرم صلی الله علیه وآله به حضرت علی علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند که اگر حتی یک نفر توسط تو هدایت شود، برای تو از آنچه خورشید بر آن می‌تابد، بهتر است». (بحارالانوار، ج 32، ص 447).

8 - دیگران هستند

گروهی می‌گویند: اگر لازم باشد، فلان شخصیت، یا مقام و یا فلان انجمن اسلامی و دیگران هستند. غافل از آنکه امر به معروف همچون نماز، وظیفه همه است و غفلت دیگران دلیلی بر توجیه غفلت ما نیست.

9- امروز بگویم، فردا چه می‌شود؟

بعضی امر به معروف و نهی از منکر نمی کنند و می گویند: «بر فرض ما امروز جلو فساد را گرفتیم. باز فردا فساد خواهد کرد.» مثل آن که بگوییم: «اگر امروز منزل و حیاط را تمیز کنیم، باز هفته دیگر کثیف خواهد شد.» تکرار گناه فردا، دلیل بر سکوت امروز ما نیست.

بیان آثار شوم منکر

اگر از اول جلو منکر گرفته نشود، پی در پی خطراتی را به دنبال خواهد داشت.

حضرت علی علیه السلام، نفوذ تدریجی و گام به گام شیطان را اینگونه توصیف می کند:

«فَبَاضَ» اول شیطان در روح انسان تخمگذاری می کند.

«وَفَرَّخَ فِي صُدُورِهِمْ»؛ بعد جوجه‌ها از تخم بیرون می آیند.

«وَدَبَّ»؛ سپس در روح انسان به حرکت در می آیند.

«وَدَرَجَ فِي حُجُورِهِمْ»؛ پس در دامن انسان به راه می افتند.

«فَنَظَرَ بِأَعْيُنِهِمْ»؛ پس شیطان به واسطه چشم آنان می نگرد و به جای عین الله، عین الشیطان می شوند.

«وَنَطَقَ بِأَلْسِنَتِهِمْ»؛ و حرف خود را با زبان آنان می زند.

«فَرَكِبَ بِهِمُ الزَّلَّلَ»؛ و به واسطه این افراد، سبب لغزش دیگران را فراهم می کند. (نهج البلاغه، خطبه 7).

حمایت از آمرین به معروف

خلیفه سوم، عثمان، دستور تبعید ابوذر، یار وفادار رسول خدا را به ریزه صادر کرد و گفت: هیچ کس نباید ابوذر را بدرقه کند. اما امیرالمؤمنین، امام حسن و امام حسین علیهم السلام سکوت را شکسته و به حمایت از این آمر به معروف به پا خاستند و او را بدرقه کردند.

به هنگام بدرقه، هر سه بزرگوار به ابوذر دلداری دادند و سخنانی فرمودند. حضرت علی علیه السلام فرمود: «ای اباذر! تو برای خدا غضب کردی و فریاد زدی. اینها از افشاگری تو و از دست دادن حکومت ترسیدند؛ ولی تو هم از گناه سکوت ترسیدی و فریاد زدی. فردای قیامت معلوم خواهد شد که برنده کیست.»

ابوذر در ربه غریبانه و در حالی که سرش در دامن دخترش بود، جان سپرد.

اگر مشکلات پیش آمد، چه کنیم؟ از یک سو قرآن می‌فرماید: «خداوند برای شما آسانی خواسته است و نه سختی» (سوره بقره، آیه 185).

و از سوی دیگر، امر و نهی در برخی موارد موجب درگیری و ضرر می‌شود، پس چه باید کرد؟

پاسخ: اولاً خود قرآن فرموده است: «در این راه، هر مشکلی به تو رسید، تحمل کن!». (سوره لقمان، آیه 17) ثانیاً: انبیا و اولیا در راه زنده کردن حق و محو باطل، آن همه سختی کشیدند. قرآن می‌فرماید: «حوادث تلخی که برای شما پیش می‌آید، با وجود تلخی و نگرانی برای شما، برکاتی نیز دارد زیرا وسیله‌ای برای توبه و استغفار شماست». (سوره انعام، آیه 42).

بنابراین، باید بنگریم که هر کجا مسأله‌ای اهم بود، هر چیزی هرچه هم مهم باشد، فدای آن شود. برای مثال، حفظ اسلام مهم‌تر از جان امام حسین علیه السلام است، لذا آن حضرت شهید می‌شود تا اسلام زنده بماند.

آمران به معروف را دوست بداریم.

یکی از انتقاداتی که انبیا به بعضی از مردم داشتند، این بود «شما ناصحین را دوست ندارید؟». (اعراف، 79).

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «بهترین دوستان من کسی است که عیوب مرا به عنوان هدیه به من تذکر دهد». (بحار الانوار، ج 74، ص 282).

امام سجاد علیه السلام در دعای مکارم الاخلاق چنین می‌فرماید: «پروردگارا! به من روحیه انتقاد پذیری مرحمت فرما تا از کسانی که مرا ارشاد می‌کنند، پیروی کنم». (دعای مکارم الاخلاق).

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «از علامات سقوط و عقب گرد، مظنون شدن به کسانی است که برای ما دلسوزی می‌کنند».

و فرمود: «هر کس تو را موعظه کرد، او را به وحشت نینداز» (غررالحکم).

این منافقان بودند که هرگاه مورد نهی از منکر قرار می‌گرفتند، با غرور می‌گفتند: در جامعه تنها ما مصلح هستیم. (سوره بقره، آیه 11)

و این کفار بودند که هرگاه انبیا آنان را ارشاد می فرمودند، به جای پذیرش می گفتند: هدف انبیا فخر فروشی بر ماست. (سوره مؤمنون، آیه 24).

برادر و خواهر، اگر تذکری به شما می دهند، سرسختی نکن! تکبر بود که شیطان را از درگاه خدا دور کرد.

عوامل نپذیرفتن امر و نهی

الف: عوامل درونی

1- جهل

کودکانی که از والدین خود اطاعت نمی کنند، بخاطر آنست که اسرار کلام والدین را نمی فهمند. انبیا به مردم منحرف می گفتند: «شما جاهلید و گرنه در برابر ما این همه سرسختی نشان نمی دادید». (سوره اعراف، آیه 64؛ انعام، 111؛ هود، 29؛ زمر، 64 و احقاف، 23)

2- تعصب

تعصب، زمانی مفید و مثبت است که پافشاری بر اهداف و آرمانهای مقدس و مستدل باشد، ولی اکثر تعصبات، ریشه ملی و قومی و حزبی و نژادی و شغلی و ... دارد و بر پایه موهومات و رسومات و پندارهای فردی و اجتماعی است.

تعصب، دودی است که جلو دید چشم را می گیرد و فرد هیچ حقیقتی جز راه و رسم خود نمی پذیرد. خداوند می فرماید: اگر ما این کتاب را بر غیر عرب نازل می کردیم، عرب ها به خاطر تعصب نابجا تسلیم نمی شدند. (سوره شعراء، آیه 198 و 199)

3- تکبر

سرچشمه تکبر، سن و علم و مال و شکل و قبيله و مقام و حزب و فرزند و امثال آنهاست. شخصی به محضر امام آمد و گفت: «من از لباس فاخر و منزل و مرکب خوب استفاده می کنم، آیا این نشانه تکبر است؟» حضرت فرمود: «نشانه تکبر آن است که حرف حق را نپذیری». آری چه بسیارند فقرای متکبر و اغنیای پذیرنده. (کافی، ج2، ص311).

4- لقمه حرام

امام حسین علیه السلام روز عاشورا به لشگریان یزید فرمود: «دلیل آنکه امر به معروف و نهی از منکر در شما اثر نمی‌کند آن است که شکم‌های شما از حرام پر شده است». (بحارالانوار، ج 45، ص 8).

ب: عوامل بیرونی

1- تبلیغات سوء

یکی از شیوه‌های مخالفان آن است که شخصیت پاکان و صالحان را در جامعه مخدوش کنند تا امر و نهی آنها بی اثر شود. تبلیغات سوء کار را به جایی می‌رساند که مردم، انبیا را مجنون و ساحر؛ یوسف علیه السلام را متهم، حضرت علی علیه السلام را واجب القتل، امام حسین علیه السلام را شورشی و خدمت به یزید را عبادت دانستند.

2- تعارضات تربیتی

تعارض میان مدرسه و منزل در مسائل دینی و تربیتی باعث می‌شود تا فرزند دچار سردرگمی شود. در مدرسه با نماز آشنا می‌شود اما در خانه والدینش نماز نمی‌خوانند. تعارض میان سفارش به صرفه‌جویی در سخن و اسراف در عمل، اعتقاد شنونده را نسبت به گوینده کم می‌کند.

3- طاغوت‌ها

در قرآن، بارها جمله «يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» به کار رفته است. افرادی که مانع راه خدا می‌شوند معمولاً طاغوت‌ها هستند، البته سرمایه داران دنیا طلب و یا دوستان فاسد یا والدین و همسر و استاد و مشاوران ناباب نیز مصداق این آیه می‌باشند.

4- مشکلات اقتصادی

قرآن در دعوت مردم به عبادت، می‌فرماید: «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ أَمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ» «مردم باید بنده خدا باشند؛ او آنان را از گرسنگی و ناامنی نجات داد.» (سوره قریش، آیه 3 و 4) اینجا، خداوند تأمین نیازهای اولیه مردم را زمینه دعوت آنان به عبادت قرار داده است.

وظایف آمران به معروف و ناهیان از منکر

از آیات قرآن استفاده می‌شود که کسانی در امر به معروف موفق‌ترند که :

1. اهل توبه و سجده و رکوع و قیام باشند. (سوره توبه، آیه 112).

2. هرگز توقع مادی از مردم نداشته باشند. سوره هود، آیه 29.

3. گفتار و بیانشان؛

الف: حق و دلپسند باشد؛ «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ» (سوره فاطر، آیه 10).

ب: به بهترین بیان باشد؛ مخاطب مسلمان باشد یا غیرمسلمان؛ «قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (سوره بقره، آیه 83).
در قرآن، از ناسزاگفتن به مشرکین نهی شده است؛ زیرا آنان نیز ممکن است به مقدسات ما ناسزا بگویند؛
«لَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا» (سوره انعام، آیه 108).

4. سخنشان منطقی باشد؛ در سراسر قرآن، کلمات برهان و بینه بارها به چشم می‌خورد؛ حتی از کفار می‌خواهد تا اگر منطقی دارند، عرضه کنند. (سوره بقره، آیه 111؛ انبیاء، 24؛ نمل، 64 و قصص، 75).

5. از تحقیر دیگران بپرهیزند و به خاطر انجام منکر توهینی نکنند.

6. از کلمات عاطفی، نرم و محبت‌آور استفاده کنند.

قرآن، انبیا را برادر مردم معرفی می‌کند و این تعبیر، بهترین اهرم برای جذب مردم است. شعراء، 142.
خداوند به موسی و هارون عليهما السلام می‌فرماید، هنگامی که نزد فرعون رفتید، با او به نرمی سخن بگوئید.
(سوره طه، آیه 44).

دوری از قضاوت عجولانه

امام صادق علیه السلام برای مهمان خود خرمای مرغوبی آورد. مهمان این آیه از قرآن را خواند: «ثُمَّ لَتَسْتَلْنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» (96) از این نعمت‌ها در قیامت، مورد بازخواست قرار خواهید گرفت. سوره تکوین، آیه 8.
گویا به نظرش آمد که خرمای به این خوبی، چرا در منزل امام است. امام فرمود: مراد از نعمتی که در قیامت مورد بازخواست واقع می‌شود، نعمت رهبری و ولایت است، نه خرما. (روایت ذیل تفسیر آیه فوق آمده است).

میان‌روی

بر اساس روایات، باید در امر و نهی میانه‌رو بود و از هرگونه خود کم‌بینی و ضعف یا خشونت و تندروی پرهیز نمود. (وسائل‌الشیعه، ج 11، ص 403).

محبوبیت و نفوذ کلام

از امام صادق علیه السلام سوال شد: آیا امر به معروف و نهی از منکر بر همه واجب است؟ امام فرمود: این کار بر شخصی واجب است که مورد احترام و اطاعت دیگران باشد و نسبت به معروف، علم و بصیرت داشته باشد، نه بر کسانی که خود در انتخاب راه متحیرند. (بحارالانوار، ج 97، ص 93)

کسب آگاهی

امام علی علیه السلام می‌فرماید: هیچ تلاش و حرکتی نیست، مگر اینکه انسان در آن محتاج به شناخت باشد. (الحیاء، ج 1، ص 37).

ابوحنیفه با امام صادق علیه السلام هم غذا شد. امام فرمود: خداوندا! این نعمت‌ها از تو و پیامبرت می‌باشد. (بحارالانوار، ج 47، ص 240).

ابوحنیفه گفت: نعمت‌ها از خداست. چرا رسول را اضافه می‌کنید؟ آیا این نوعی شرک نیست؟

امام فرمود: خداوند در قرآن می‌فرماید: «أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ» خداوند و پیامبرش مردم را بی‌نیاز کردند. (سوره توبه، آیه 74).

روزی یک صوفی زاهدنما به امام صادق علیه السلام گفت: چرا شما لباسهای نرم و لطیف پوشیده‌اید؟ به خدا سوگند که پیامبر این گونه لباسها را نمی‌پوشید. امام لباس خود را کنار زد و فرمود: من زیر این لباس، لباس خشن پوشیده‌ام. لباس خشن زیر را برای خدا و اینکه نفس من رفاه طلب نباشد، و لباس رو را برای آراستگی میان مردم پوشیده‌ام. (وسائل‌الشیعه، ج 3، ص 351).

در اینجا حدیث جالبی را نقل می‌کنیم تا بدانیم که امر به معروف و نهی از منکر کار ساده‌ای نیست و هر کسی نمی‌تواند با هر شناختی که دارد و با هر شیوه‌ای که می‌پسندد، این کار را انجام دهد.

در حدیث حسینی می‌خوانیم: «صَاحِبُ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ يَحْتَاجُ إِلَى أَنْ يَكُونَ عَالِمًا بِالْحَلَالِ وَالْحَرَامِ» کسی که امر به معروف می‌کند، باید دین شناس باشد و حلال و حرام را بداند».

«فارغاً من خاصّة نفسه» «گرفتار نفس خود نباشد». اگر حرفی می‌زند و با گامی برمی‌دارد، برای اصلاح جامعه و رضای خدا باشد و نه مطرح کردن خود.

«ناصحاً للخلق» «خیرخواه مردم باشد و انگیزه او، سوز درونی و غیرت دینی باشد».

«رحیماً رفیقاً بهم» «با مردم مهربان و رفیق باشد و تا ضرورت پیش نیاید، خشونت نکند».

«داعیاً لهم باللطف» «با لطافت و محبت، مردم را به کار خیر و خوبی دعوت کند».

«حسن البیان» «گفتارش نیکو باشد».

«عارفاً بتفاوت اخلاقهم» «بداند که هر کس خلق و خوبی دارد و با هر کس باید طور خاصی سخن گفت».

«بصیراً بمکر النفس» «از حیل‌های نفسانی آگاه باشد» تا مبدا در قالب امر به معروف و نهی از منکر به اهداف شومی کشیده شود.

«صابراً» «اگر در راه امر به معروف و نهی از منکر ضربه‌ای دید، مأیوس نشود و پشتکار داشته باشد».

«لایکافیهم و لایشکو منهم» «اگر از مردم آزاری دید، انتقام نگیرد و شکایتی نکند».

«لایستعمل الحمیة» «در کار تعصّب قومی و قبیل‌های نداشته باشد».

«لایغتایظ لنفسه» «غیظ او برای نفس نباشد»، بلکه برای خدا و ارتکاب کار زشت توسط دیگران باشد. نه اینکه چرا شأن و مقام مرا مراعات نکرد. (بحار الانوار، ج 97، ص 83).

با عمل خود، مردم را دعوت کنیم

در قرآن، بارها از کسانی که مردم را به حق دعوت می‌کنند، ولی خود را فراموش کرده‌اند، انتقاد شدید شده است. «لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف 2)

در روایات می‌خوانیم: با عمل خود مردم را به راه حق دعوت کنید. «کونوا دعاة الناس باعمالکم» (بحار الانوار، ج 5، ص 198).

برای مثال مسؤولان مملکتی باید در صف اول نماز جمعه و جماعات حاضر باشند، تا نمازخانه‌ها و مساجد پر شود.

سؤال: فقها می‌گویند: امر به معروف و نهی از منکر واجب است گرچه انسان به آنچه می‌گوید، عمل نمی‌کند. ولی در آیات و روایات از کسانی که به گفتار خود عمل نکنند، انتقاد شدید شده است؟ پاسخ: انتقاد قرآن و روایات از کسانی است که به طور کلی میان گفتار و کردارشان تفاوت است؛ یعنی برنامه زندگی و رفتار آنان خلاف است، ولی در جامعه قیافه مصلح و آمر به معروف دارند.

فتوای فقها این است که لازم نیست به تمام فرامین خدا عمل کنید تا واجد شرائط امر به معروف باشید. گروهی نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله آمدند و گفتند: تا ما به همه احکام عمل نکنیم، امر به معروف نمی‌کنیم. حضرت فرمود: امر به معروف کنید؛ گرچه به همه آنچه می‌گویید، عمل نمی‌کنید و نهی از منکر کنید گرچه از همه منکرات دوری نمی‌کنید. (میزان الحکمه، ج 6، ص 274).

از کار خلاف انتقاد کنیم، نه از شخص

در قرآن می‌خوانیم که پیامبران به مردم می‌گفتند: «آئی لعملمکم من القالین» «من با عمل شما مخالف هستیم»، نه با خود شما. (سوره شعراء، آیه 167).

اگر خلافکار احساس کند که شخصیت دارد و محبوب است و تنها نقطه ضعف او کار خلافش است، براحتی آن را ترک می‌کند. اما اگر احساس کند که انسانی منفور، مردود و مطرود است، هر روز به تباهی خود می‌افزاید. شخصی از امام کاظم علیه السلام پرسید: یکی از یاران شما شراب خورده است. آیا از او تبری جوییم؟ امام فرمود: از کارش تبری جوئید (نه از خودش). (بحار الانوار، ج 27، ص 137).

به حداقل اکتفا کنیم

رسول خدا صلی الله علیه وآله در روزهای اول دعوت خود، مردم را تنها به یک جمله سفارش می‌فرمود: «قولوا لا إله إلا الله تفلحوا» بگویید جز خدای یکتا معبودی نیست، تا رستگار شوید.

حکم روزه، زکات و جهاد در اسلام، بعد از گذشت پانزده سال از بعثت پیامبر نازل شد.

در قرآن می‌خوانیم: چون خداوند مردم را ضعیف دید، قانون خود را تخفیف داد. (سوره انفال، آیه 66).

در روایات آمده است که یک نفر مسیحی، مسلمان شد. رفیق مسلمانش سحرگاه به منزل او رفت و گفت: الآن وقت نماز شب است. او را از خواب بیدار کرد و به مسجد برد و به نماز شب واداشت. همین که اذان صبح شد، گفت: اکنون وقت نماز صبح است. و بعد، نماز ظهر و عصر را خواندند؛ در حالی که می‌گفت، نباید

از نمازها و دعای نافله و مستحبات غافل شد. این مسلمان چنان با نماز و دعا، وقتِ مسیحی تازه مسلمان را پر کرد که روز بعد گفت: اگر اسلام این است، همان بهتر که مسیحی باشم.

به سراغ کشف منکر نرویم

بعضی به سراغ کشف عیوب و گناهان دیگران می‌روند تا او را نهی از منکر کنند، در حالی که قرآن با کمال صراحت، تجسس را تحریم کرده است. (سوره حجرات، آیه 12).

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: لغزشهای مؤمنان را پیگیری نکنید که هر کس این‌گونه باشد، خداوند علاوه بر آخرت، در همین دنیا او را افتضاح خواهد کرد. (مستدرک، ج 7، ص 81).

نهی از منکر نه حسادت

ریشه برخی انتقادهای، عقده‌ها و حسادت‌هاست. قرآن خطاب به پیامبر می‌فرماید: بعضی از مردم درباره تقسیم زکات به تو انتقاد می‌کنند؛ ولی اگر مقداری از زکات به خود آنان بدهی، راضی می‌شوند و انتقادی نمی‌کنند؛ اما در صورتی که ندهی، عصبانی می‌شوند. (سوره توبه، آیه 58).

صفات و شرایط آمران و ناهیان

1. با اراده باشد

قرآن می‌فرماید: امر به معروف و نهی از منکر نیاز به عزم و اراده قوی دارد. لذا نباید این کار را بر اساس قهر و صلح مردم تنظیم کرد. (سوره لقمان، آیه 17).

2. برای خدا باشد

قرآن می‌فرماید: ریشه بعضی از انتقادهای، مسائل شخصی است. اگر امر و نهی برای خدا باشد مؤثرتر است؛ زیرا حرف صاف بر دل صاف می‌نشیند. سوره توبه، آیه 58.

3. سعه صدر

دعوت به حق و امر به معروف و نهی از منکر، کار انبیاست و مشکلات انبیا را نیز خواهد داشت. انبیا تهمت‌ها را با صبر و سعه صدر پشت سر می‌گذاشتند. آنان به کسانی که می‌گفتند: ما تو را سفیه می‌بینیم، می‌فرمودند: در من سفاهتی نیست. (سوره اعراف، آیه 66).

یا در برابر نسبت گمراهی می‌فرمودند: در من گمراهی نیست. (سوره اعراف، آیه 61).

گذشت از لغو، از صفات برجسته مؤمنان است. (سوره فرقان، آیه 72).

4. حسن خلق و نرمخویی

کسی که امر و نهی می‌کند، بدیها را با خوبی دفع می‌کند. (سوره رعد، آیه 22).

و اهل انتقام و غیظ نیست. (سوره آل عمران، آیه 134)

از لغزش مردم در هنگام عذرخواهی بگذریم که این، نشانه جوانمردان تاریخ است. همین که برادران یوسف از او عذرخواهی کردند، فرمود: امروز ملامتی بر شما نیست. (سوره یوسف، آیه 92).

هرگز خود را بهتر ندانیم

امام علی علیه السلام: بنده خدا، در عیبجویی کسی بخاطر گناهانش، شتاب مکن! چه بسا آن گناه بخشیده شود. و درباره خود، حتی از گناه کوچکی که انجام داده‌ای، خود را در امان ندان زیرا چه بسا که به خاطر آن عذاب شوی. (نهج البلاغه، خطبه 140).

کسی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند، مانند پزشکی است که به مداوای مریض می‌پردازد. چه بسا مریض بهبود یابد و سالها عمر کند؛ ولی خود پزشک در حادثه‌ای جان دهد.

از کجا شروع کنیم؟

1- خود

قرآن می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا آنچه را می‌گوئید عمل نمی‌کنید؟ (صف 3)

و در جای دیگری می‌فرماید: آیا مردم را به نیکی سفارش می‌کنید، در حالی که خودتان را فراموش می‌کنید؟ (سوره بقره، آیه 44).

امام علی علیه السلام می‌فرماید: تا خودم کاری را انجام ندهم، شما را به آن سفارش نمی‌کنم و تا خودم از کاری دوری نکنم، شما را از آن باز نمی‌دارم. البته، عمل، رمز موفقیت است و نه رمز وجوب. (نهج البلاغه، خ 175)

2- خانواده

قرآن می‌فرماید: ای پیامبر! اول دختران و همسران را سفارش کن و آن گاه زنان دیگر را. (احزاب 59)
قرآن در ستایش یکی از انبیا می‌فرماید: او خاندان و بستگان خود را به نماز سفارش می‌فرمود. (مریم، 55).
البته گاهی همسر و فرزند قابلیت هدایت ندارند، ولی دیگران حرف حق را می‌پذیرند. نمونه آن، پسر نوح و همسر لوط است.

3- نسل نو

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: روح نوجوان همچون زمین خالی است و آموزش نوجوان مانند نقش بر سنگ، ماندگار است. (نامه 31)

در روایات می‌خوانیم: به سراغ نسل نو بروید، زیرا که آنان زودتر از دیگران بسوی خیر گرایش پیدا می‌کنند. وسائل الشیعه، ج 11، ص 448.

4- همسایگان

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چرا مردم همسایگان خود را آموزش نمی‌دهند؟ موعظه نمی‌کنند؟ امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کنند؟ و چرا همسایگان حاضر نمی‌شوند آموزش ببینند؟ (کنز العمال، 684/3).

نقش حکومت

گاهی اوقات منکرات در سطح وسیعی مطرح است که جز با حرکت دولت، امکان نهدی از آن نیست. البته وظیفه حکومت تنها در این موارد نیست؛ بلکه باید از آمرین به معروف و ناهیان از منکر که طبق وظیفه فردی نیز تذکر می‌دهند، حمایت کند.

همکاری دولت و مردم همیشه کارساز بوده است و هیچیک به تنهایی توفیق کامل را به دست نخواهند آورد. لذا برای اجرای احکام نورانی اسلام باید حکومت اسلامی در کار باشد؛ وگرنه بسیاری از احکام که نیاز به قدرت دارد، به زمین خواهد ماند. آری! ولایت فقیه یک ضرورت برای اجرای احکام الهی است.

وظایف حکومت در امر به معروف و نهی از منکر مخصوص به چند نمونه نیست. حکومت وظیفه دارد معروف‌های سیاسی اجتماعی را احیا و از منکرات اقتصادی اجتماعی جلوگیری کند.

اینها نمونه‌هایی از وظایف حکومت است:

کنترل نرخها و جلوگیری از هرج و مرج بازار؛

جلوگیری از واسطه‌های کاذب که وسیله گران شدن جنس هستند؛

نظارت بر قراردادهای و جلوگیری از سوء استفاده‌هایی که در تنظیم اسناد می‌شود.

دقت در توزیع عادلانه، حفظ بیت‌المال و شناسایی امین‌ترین افراد برای سپردن بیت‌المال به آنها.

استفاده بهینه از منابع طبیعی.

ایجاد شغل مفید برای بیکاران و آموزش دادن کارگران ساده برای بهتر نتیجه گرفتن از منابع طبیعی و فنی؛ زیرا اشتغال، بزرگ‌ترین معروف و بیکاری زمینه انواع منکرات است.

سالم‌سازی محیط

محیط و جامعه در گرایش‌های فکری و اخلاقی افراد نقش مهمی دارد. از جمله:

1. در تاریخ بنی اسرائیل می‌خوانیم: «همین که با معجزه موسی علیه السلام از رود نیل گذشتند، گروهی بت پرست را دیدند. فوراً تحت تأثیر قرار گرفتند و از موسی خواستند که حضرت برای آنان بت قرار دهد تا عبادت کنند.» (سوره اعراف، آیه 138)

2. حضرت ابراهیم علیه السلام یک تنه تبر به دست گرفت، وارد بتکده شد و همه بت‌ها را شکست. سپس تبر را به گردن بت بزرگ آویخت. (سوره انبیاء، آیه 58)

3. موسی به سامری گفت: «به خدا سوگند که گوساله طلایی تو را آتش می‌زنم و خاکسترش را به دریا می‌ریزم.» (سوره طه، آیه 97).

4. ماجرای مسجد ضار؛ منافقان در مدینه با وجود مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله، مسجد دیگری ساختند تا در سایه نام مسجد، نیروهای خود را تمرکز دهند و با دشمنان خارجی ارتباط برقرار کنند. آنها برای به رسمیت شناخته شدن مسجدشان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دعوت کردند به امامت خویش، نماز جماعتی در آنجا برگزار کند.

حضرت که در آستانه جنگ تبوک بودند، پاسخ مثبتی ندادند. پس از آنکه رفتند و برگشتند، مردم را برای خراب کردن مسجدی که مرکز تجمع منافقین بود، بسیج کردند.

از چهار نمونه‌ای که از قرآن نقل کردم، می‌توان چنین نتیجه گرفت که برای اجرای نهی از منکر باید ابتدا، مراکز و انسانهای فتنه خیز را از جامعه حذف کرد؛ زیرا بدون محو کردن آنها، نهی از منکر، مبارزه با معلول و رها کردن علت‌هاست.

نظام و حکومتی که بنا دارد امر به معروف و نهی از منکر را احیا کند، باید برای سالم‌سازی محیط گام‌هایی بردارد؛ از جمله:

1- تبلیغ در مورد ازدواج آسان و دادن وام ازدواج به جوانها.

2- تفکیک مراکز دختر و پسر در همه مقاطع تحصیلی، پارک‌ها، مکانهای عمومی، بیمارستانها و حتی مراکز خدماتی (تا آنجا که امکان دارد)؛ تا زنان بتوانند با لباس ساده مشغول به کار شوند و مردان نیز مزاحمتی نداشته باشند.

3- جلوگیری از تولید فیلم‌ها، نوارها، کتاب‌هایی که در آنها زمینه‌های انحراف و فساد و ابتدال زیاد است؛ بخصوص بستن بعضی شرکت‌ها، بوتیک‌ها و مؤسسات منحرف و یا جلوگیری از ارائه لباسها و...

4- دقت در گزینش افراد تا مهره‌های وابسته و فتنه‌گر، میدانی برای رشد افکار خود نداشته باشند. بخشی از این اقدامات بحمدالله در سایه جمهوری اسلامی انجام شده و امید است که کامل شود.

5 - از آنجا که حیا مانع بسیاری از گناهان و نداشتن حیا زمینه ساز انواع منکرات است، مسؤولان نظام باید اصل حیا را در تار و پود جامعه مراعات کنند تا میدانی برای رشد خلافکاران پیدا نشود.

از جمله، دولت اجازه ساختن ساختمان هایی را که ساکنان آن به طور طبیعی حیا را از دست می دهند، به کسی ندهد. آری! در ساختمان هایی که فرد در درون خانه خود همه جای خانه همسایه را می بیند، حیایی نمی ماند.

امام حسن و امام حسین علیهما السلام کودکانی بودند که با شلوار بلند وارد فرات شدند. شخصی به آن دو عزیز گفت: «لباس شما خراب شد.» این دو عزیز در پاسخ او فرمودند: «خراب شدن شلوار بهتر از خراب شدن دین و حیا است.» (بحارالانوار، ج 43، ص 320)

6- اسلام برای سالم سازی محیط، تربیت کودکان و مدیریت داخلی خانه را به زن سپرده است و تا حد امکان با سپردن کارهای مفید در محل آرام خانه، زن را از خارج شدن بدون دلیل و دور از چشم شوهر نهی فرموده است. البته، هر کجا که نیاز باشد، به زن اجازه خروج داده است؛ از جمله رفتن به مکه بدون شوهر. آنچه محیط را فاسد می کند، رها شدن، بی بندوباری و بی هدفی است؛ و گرنه اسلام به زن اجازه آموختن و آموزش، شرکت در انتخابات، داشتن استقلال اقتصادی و سیاسی، شرکت در عالی ترین کنگره های علمی، نوشتن انواع مقالات تخصصی و تربیتی و علمی را داده است.

قرآن به آشنایی با تاریخ زنان نمونه همچون آشنایی با تاریخ مردان نمونه سفارش کرده است.

در قرآن همان گونه که می خوانیم: «واذکر فی الکتاب ابراهیم» (مریم 41)،

«واذکر فی الکتاب موسی» (مریم 51)؛

همچنین می خوانیم: «واذکر فی الکتاب مریم» (مریم 16) همان گونه که مرد می تواند الگو و اسوه باشد، قرآن، همسر فرعون را الگو و نمونه تاریخ بشر قرار داده است.

اهمیت شیوه ها

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله: «هر که امر بمعروف می کند، باید شیوه اش معروف باشد.» (کنز العمال، ح 5523). قرآن می فرماید: نیکی در این نیست که از بی راهه به خانه ها وارد شوید، نیکی در این است که از راه آن وارد شوید. (سوره بقره، آیه 189).

امام باقر علیه السلام ذیل آیه فرمود: خانه ها را از راهش وارد شوید؛ یعنی هر کاری را از راهش انجام دهید! آری، برای هر معروف و منکری، از هر شخصی در هر مکانی و هر زمانی، شیوه ای خاص لازم است که اگر مراعات نشود، امکان دارد اثر منفی دهد.

شیوه آئینه‌وار

حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «المؤمن مرأة المؤمن» مؤمن آئینه مؤمن است. اگر در این حدیث کوتاه دقت کنیم، نکاتی درباره شیوه امر به معروف درک می‌کنیم؛ از جمله:

- 1- آئینه از روی صفا عیب را می‌گوید، نه از روی انتقام، غرض و کینه.
- 2- آئینه زمانی عیب را نشان می‌دهد که خودش گرد و غبار زده نباشد.
- 3- آئینه مراعات مقام و مدال را نمی‌کند.
- 4- آئینه عیب را بزرگتر از آنچه هست، نشان نمی‌دهد.
- 5- آئینه همراه با نشان دادن عیب، نقاط قوت را نیز نشان می‌دهد.
- 6- آئینه عیب را روبه‌رو می‌گوید نه پشت سر.
- 7- آئینه عیب را بی سر و صدا می‌گوید.
- 8- آئینه عیب را در دل نگه نمی‌دارد و همین که از کنارش رد شدی، عیب از صفحه او پاک می‌شود.
- 9- آئینه را اگر شکستی، خرده‌های آن هم زشت و زیبا را نشان می‌دهد. مؤمن را اگر شکستی و تحقیر کردی، باز دست از حرفش بر نمی‌دارد.
- 10- اگر آئینه عیب مرا گفت، باید خودم را اصلاح کنم؛ نه آنکه آئینه را بشکنم. آری! اگر مسلمانی نهی از منکر کرد، شما گناه را از خود دور کن و به انتقاد کننده اعتراض نکن.

توجه دادن به کرامت و ارزش انسان

اگر انسان بداند که جانشین خداست اگر انسان بداند که فرشتگان بر او سجده کرده‌اند او موجودی است که روح خدا در او دمیده شده است؛ تنها موجودی است که خداوند در آفرینش او خود را ستوده است؛ همه چیز را به تسخیر او درآورده است؛ در آفرینش، بهترین شکل را به او عطا کرده است؛ برای او، انبیا و کتب آسمانی فرستاده است؛ او را موجودی فناپذیر قرار داده است، ارزش او بهشت است و نه کمتر؛ خداوند انواع فضیلت‌ها و کرامت‌ها را به او مرحمت کرده است. اگر انسان به این کرامت‌ها و مقامات توجه کند، هرگز خود را به کارهای زشت آلوده نخواهد کرد. راستی! چرا عمر ما چراگاه شیطان باشد؟ ما که جانشین خدائیم، چرا با دشمن خدا قرین باشیم؟

شیوه‌های امر و نهی

1. آماده‌سازی

سخن حق، همچون شکر است؛ اگر شکر را به همین شکل در گلوی کسی بریزیم، امکان دارد خفه شود. باید شکر را با آب مخلوط کرده تا تبدیل به شربت شود و برای همه افراد قابل استفاده و تحمل شود.

از خاطر نمی‌رود زمانی که می‌خواستیم درباره روایات کفن در تلویزیون صحبت کنم، فکر کردم که بعضی مردم تحمل شنیدن این‌گونه حرفها را ندارند. پس، زمینه را این‌گونه آماده کردم که: از نیازهای عمومی و همگانی، نیاز به لباس است. اسلام برای هر فصل و زمان و کاری لباس در نظر گرفته و دستوراتی داده است؛ مثل لباس کودک، لباس کار، لباس جنگ، لباس نماز عید، لباس نماز باران، لباس احرام و حج، لباس عروس، لباس دادن به برهنه‌ها، نظافت لباس، وصله کردن لباس، رنگ لباس، دوخت لباس، جنس لباس و ... برای هر یک از عناوین هم حدیثی و نکته‌ای گفتم. کم‌کم مردم را برای شنیدن بحث آخرین لباس (کفن) و روایات کفن آماده کردم. ولی اگر از ابتدا می‌گفتم: موضوع بحث امروز کفن است، شاید میلیونها نفر تلویزیون را خاموش می‌کردند.

2. تلقین

چه بسیارند افرادی که از انجام معروف هراس دارند و چه بسیارند کسانی که جدا شدن از بعضی منکرات را برای خود محال می‌پندارند، در صورتی که تلقین صحیح و بیان نمونه‌ها در این زمینه کارگشا خواهد بود.

3. استفاده از هنر، شعر و طنز

نقش هنر در دعوت مردم به فساد و انحراف، بر کسی پوشیده نیست. سامری با هنر مجسمه‌سازی توانست مردم را منحرف و بنی‌اسرائیل را گوساله‌پرست کند.

زیباگویی، فصاحت و بلاغت، بهترین اهرم برای جذب مردم است؛ همان‌گونه که قیافه زیبا و موزون نقش مهمی در تأثیر کلام دارد.

در قرآن، امر شده است که هنگام رفتن به مسجد، زینت‌های خود را با خود بردارید. (اعراف ۳۱)

سخن زیبا و مجادله نیکو از سفارشهای قرآن کریم است. (نحل 125))

4. انصاف در برخورد

قرآن کریم در نهی از شراب، اول از منافع مادی و مالی آن سخن گفته است و بعد می‌فرماید: «ضررش از نفعش بیشتر است». (بقره 219)

خداوند در برخورد با کافران و منافقان و مشرکان، همواره از عبارت «اکثرهم» استفاده می‌کند، یعنی همه آنان را نفی نمی‌کند بلکه می‌فرماید: بیشتر آنها چنین هستند. در برخورد با خلافکاران نیز باید ابتدا نقاط قوت و مثبت آنها را بگوییم و سپس آنها را متذکر کنیم.

5. امید دادن

گاهی انسان گنهکار با خود می‌گوید: دیگر از ما گذشته است، ما دیگر راهی برای بازگشت نداریم. ما دیگر جهنمی شده‌ایم. این گونه افراد هر روز به گناه بیشتری گرفتار می‌شوند. باید به آنها از عفو الهی و از پذیرفتن توبه و لطفی که خداوند به توبه‌کنندگان دارد بگوییم و خاطراتی از توبه‌کنندگان بیان کنیم تا گناه، او را به یأس نکشاند. باید به او تذکر داد که یأس از گناهان کبیره است.

6. تغافل

گاهی باید انسان خود را به غفلت بزند و تظاهر کند که من متوجه خلاف تو نشدم تا از این طریق شخصیت افراد شکسته نشود.

قرآن می‌فرماید: برادران یوسف که پس از ده‌ها سال او را دیدند و نشناختند، به او گفتند: ما قبلاً برادری داشتیم به نام یوسف که دزد بود. یوسف خود را به تغافل زد و نگفت که آن برادر من هستم و چرا به من نسبت دزدی می‌دهید. (یوسف 77)

البته تغافل در مورد خلاف‌های شخصی، جزئی و فردی است؛ و گرنه در مسائل مهم که دشمنان و کفار برای براندازی نظام اسلامی نقشه می‌کشند، تغافل بزرگ‌ترین خواست دشمن است. (نساء 102)

7. توجه به ظرفیت افراد

امام صادق علیه السلام شخصی را برای مأموریتی به منطقه‌ای فرستاد. او در گزارش خود به امام، از مردم منطقه به شدت انتقاد کرد. امام فرمود: ایمان ده درجه دارد. بعضی یک درجه ایمان دارند و بعضی دو درجه، بعضی هم هفت تا ده درجه. نباید کسانی که ایمان کامل‌تری دارند، از دیگران توقع بیش از ظرفیت داشته باشند. (بحار الانوار ج 66، ص 168)

در شیوه تبلیغ انبیا می‌خوانیم که می‌فرمودند: «ما مأموریم طبق ظرفیت افراد با آنان صحبت کنیم. (همان، ج 2، ص 69)

8. کنایه گویی

قرآن به حضرت عیسیٰ علیه السلام می‌فرماید: آیا تو به مردم گفتی که من و مادرم را خدا بگیرید؟! (مائده، 116)

در جای دیگر، خداوند پیامبر صلی الله علیه وآله را مخاطب قرار داده و می‌فرماید: اگر پدر یا مادرت نزد تو به پیری رسیدند، تو با آنان درشتی نکن! (اسراء، 232)

در حالی که همه می‌دانیم حضرت عیسیٰ مردم را به توحید دعوت می‌کرد و پیامبر اسلام در کودکی پدر و مادر خود را از دست داده بود. این گونه خطاب‌ها در حقیقت به مردم است.

9. ایجاد محبت

در بخش مهمی از قرآن، خداوند نعمت‌های خود را می‌شمارد تا عشق انسان را نسبت به خود زیاد کند.

قرآن که مردم را امر به عبادت می‌کند، می‌فرماید: پروردگارِ کعبه را پرستش کنید؛ زیرا او شما را از گرسنگی و ترس نجات داد. (قریش 3 و 4)

نمونه‌هایی از سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله درباره جذب دلها:

1. هرگاه سه روز یکی از یاران را نمی‌دید، به سراغش می‌رفت. (بحار الانوار، ج 16، ص 151)

2. از مریض‌ها در دورترین نقطه شهر عیادت می‌کرد. (بحار الانوار، ج 16، ص 225)

3. مردم را با بهترین نام صدا می‌زد. حتی نام زنان و کودکان را با کرامت می‌برد. (سنن النبی، ص 152)

10. تحریک عواطف

شخصی به مادرش تندی کرد. روز بعد، امام صادق علیه السلام او را دید و به او فرمود: چرا با مادرت تندی کردی؟ مگر نمی‌دانی که شکم مادرت منزل تو بود؟ دامان مادرت گهواره تو بود؟ شیر مادرت غذای تو بود؟

سپس فرمود: پس با او خشن نباش. (بحار الانوار، ج 71، ص 157)

11. مخفیانه و مختصر باشد

در حدیث می‌خوانیم: هر کس برادر دینی خود را مخفیانه موعظه کند، او را آراسته کرده، ولی هر کس آشکارا موعظه کند، او را شرمنده کرده است. (بحار الانوار، ج 75، ص 374)

در حدیث می‌خوانیم: «هرگاه کسی را موعظه می‌کنی؛ خلاصه بگو» (غرر الحکم)

12. نمایاندن الگوها

معرفی چهره‌های موفق و تجلیل از آنها، در دعوت مردم به معروف نقش مؤثری دارد. اینکه هر سال مردم در عاشورا فریاد «یا حسین» سر می‌دهند، زمینه دوری از پذیرش طاغوت‌ها و وفاداری به نظام اسلامی می‌شود. قرآن می‌فرماید: مردم دنیا از همسر فرعون درس بگیرند که چگونه جذب مال و مقام و قدرت فرعون نشد. (تحریم 11)

در جای دیگری می‌فرماید: از حضرت ابراهیم و حضرت محمد علیهما السلام درس بگیرید؛ زیرا این دو بزرگوار اسوه و الگو هستند. (احزاب 21)

13. تدریج

همان‌گونه که شیطان انسان را گام به گام به سوی فساد می‌کشانند، راه اصلاح و امر به معروف نیز باید گام به گام باشد. سوره بقره، آیه 168.

در قرآن، در مورد تحریم ربا این مراحل به چشم می‌خورد:

مرحله اول، قرآن می‌فرماید: آنچه به مال شما از طریق ربا اضافه می‌شود، نزد خدا افزایش نیست. (روم، 39).

در مرحله دوم، قرآن، رباخواری را از عادات زشت یهودیان می‌شمارد. (سوره نساء، آیه 161).

در مرحله سوم، قرآن، انسان را از ربای مضاعف و زیاد نهی می‌کند. (سوره آل عمران، آیه 130).

در مرحله چهارم، قرآن، ربا گرفتن را به منزله اعلام جنگ با خدا می‌داند. (سوره بقره، آیه 279)

14. تکرار

چون برنامه اسلام تنها آموزش نیست، بلکه تربیت هم هست، لذا اوامر و نواهی باید تکرار شود. برای هر غفلت، یک تذکر لازم است. شما در نماز ده‌ها بار جمله «اللّه اکبر» را در رکوع و سجود و قیام تکرار می‌کنید. یاد خدا غذای روح است و باید همچون غذای جسم تکرار شود.

15. مماشات

حضرت ابراهیم علیه السلام برای نهی از بزرگ‌ترین منکر (شرک) از راه مدارا و مماشات وارد شد و گام به گام به انتقادات خود اضافه کرد. بار اول فرمود: خورشید غروب می‌کند و من غروب شدنی را دوست ندارم. «إِنِّي لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ» (انعام، 76).

بار دوم فرمود: ماه پرستی انحراف است و خدا مرا گرفتار آن نکند. «لَئِنْ لَمْ يَهْدِنِي رَبِّي...» (انعام، آیه 77)
بار سوم فرمود: من بیزارم از هر چه که شما شریک خدا می‌دانید. «إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ» (انعام، آیه 78).

16. حکمت، موعظه، جدال نیکو

قرآن کریم به پیامبر عزیز می‌فرماید: از طریق حکمت و منطق یا موعظه و نصیحت و یا جدال نیکو مردم را به راه خدا دعوت کن! (سوره نحل، آیه 125).

در امر به معروف و نهی از منکر باید روی مسائلی تکیه کرد که قابل خدشه نباشد. به سخنان محکمی که مورد قبول همه است، حکمت گفته می‌شود.

مراد از موعظه حسنه، موعظه‌ای است که بر اساس محبت و با بیان نیکو باشد و در زمان و مکان مناسب با شیوه‌های صحیح انجام شود.

و مراد از مجادله نیکو نیز پذیرفتن نقاط قوت دیگران و استدلال و مقابله به مثل در شیوه‌هاست.

17. ریشه مفاسد را بخشکانیم

قرآن می‌فرماید: «سوء ظن نبرید و تجسس نکنید»؛ زیرا سوء ظن، سرچشمه تجسس و تجسس، سرچشمه غیبت می‌شود. سوره حجرات، آیه 12.

اگر قرآن، زنان را از پایکوبی و یا گفتار همراه با ناز و کرشمه و تحریک آمیز نهی می‌کند، به خاطر خشکاندن سرچشمه گناه است.

در مسائل سیاسی و اجتماعی نیز برای اصلاح دولت‌ها باید دولتمردان اصلاح شوند و برای اصلاح نسل نو، باید خانواده‌ها اصلاح شوند.

قرآن می‌فرماید: با رهبران کفر مبارزه کنید. (احزاب 32)

18. احترام به ارزشهای دیگران

قرآن کریم، به تورات و انجیل و انبیای گذشته احترام می‌گذارد و مراکز عبادت سایر ادیان را محترم می‌شمارد؛ حتی برای حفظ آن، دفاع را لازم می‌داند. در سفارش‌های اسلامی نیز آمده است: «بزرگان هر قوم را احترام کنید!» (مستدرک، ج 8، ص 395).

19. با انجام معروف، زمینه را بر منکر تنگ کنیم

قرآن می‌فرماید: «راه جلوگیری از فحشا و منکر، انجام معروفی همچون نماز است.» (عنکبوت، آیه 45).

هنگامی که خداوند می‌خواهد حضرت آدم را از غذایی منع کند، ابتدا اجازه بهره‌برداری از غذاهای دیگر را به او می‌دهد و می‌فرماید: «از هر غذایی در بهشت استفاده کن؛ ولی از این غذا استفاده نکن!» (بقره 35)

تفریح و ورزش از معروف‌هایی است که جلو بسیاری از مفاسد، امراض و منکرات را می‌گیرد.

زهد و عدالت مسئولان مملکتی، از معروف‌هایی است که می‌تواند جلو بزرگ‌ترین منکرات را که بدبینی به حکومت اسلامی است، بگیرد.

20. توجه به زمان

در روایات می‌خوانیم: هنگام مسافرت، خانواده خود را به تقوی سفارش کنید؛ زیرا در آستانه جدایی، علاقه‌ها اوج می‌گیرد و زمینه پذیرش در انسان زیاد می‌شود. (مستدرک، ج 8، ص 122).

در حدیث می‌خوانیم: به هنگام خشم و غضب، کسی را ادب نکنید؛ زیرا در معرض افراط هستید.» (بحارالانوار، ج 76، ص 192)

در قرآن نیز نسبت به استغفار در سحر مکرر سفارش شده است. (سوره ذاریات، آیه 18)

21. اعراض

قرآن می‌فرماید: «هر گاه کسانی را دیدی که در آیات ما به یاهو سرائی نشست‌اند، پس به عنوان اعتراض، مجلس آنان را ترک کن! یا مسیر حرف را تغییر ده! و اگر شیطان تو را به فراموشی انداخت، تا متوجه شدی جلسه را ترک کن و با ستمگران منشین.» (سوره انعام، آیه 68).

در حدیث می‌خوانیم: «سزاوار نیست که مؤمن در مجلس گناهی که نمی‌تواند آن را تغییر دهد، بنشیند.» (وسائل الشیعه، ج 11، ص 503)

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می‌فرماید: گناهکاران را با قیافه عبوس ملاقات کنید! (وسائل الشیعه، ج 11، ص 413).

انواع معروف‌ها در قرآن

انواع معروف‌های فردی و اجتماعی که قرآن بر آنها تاکید داشته و دعوت دیگران به انجام آن را لازم شمرده، عبارتند از؛

اقامه نماز

اولین معروفی که قرآن به آن سفارش فرموده و آن را نشانه ایمان به خدا می‌شمرد، نماز است. چنانکه در آغاز سوره بقره می‌فرماید: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ»، پرهیزکاران به غیب ایمان دارند و نماز بر پا می‌دارند.

نه فقط در اسلام، بلکه در همه ادیان آسمانی، نماز جایگاه ویژه‌ای دارد. خداوند حضرت موسی را به انجام این معروف بزرگ فرمان می‌دهد و می‌فرماید: «اقم الصلوة لذكری» ای موسی! نماز را به پای دار تا یاد من در تو زنده شود. (طه 14)

قرآن پیامبر اسلام را مأمور می‌کند تا خانواده‌اش را به نماز دعوت کند: «و امر اهلك بالصلوة» (طه، 132) هر مسلمانی نیز وظیفه دارد علاوه بر آنکه خود نماز می‌خواند، دیگران را نیز به نماز سفارش کند، دوستان، همکاران، فرزندان و همسر خود را.

رسیدگی به محرمان

دستورات اسلام، به نماز و روزه و قرآن و دعا و دیگر وظایف فردی محدود نمی‌شود، بلکه بخش عمده‌ای از دستورات دین، مربوط به جامعه و مسائل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آن است که یک مؤمن باید ابتدا این معروف‌های مورد نظر دین را بشناسد، تا هم خود عمل کند و هم دیگران را به آن دعوت کند.

از مهم‌ترین دستورات اجتماعی اسلام، رسیدگی به محرومان و نیازمندان در همه ابعاد زندگی است. خمس و زکات دو واجب مالی است که هر مؤمنی را ملزم می‌کند بخشی از درآمد خود را صرف نیازهای جامعه و نیازمندان کند. در تمام قرآن، هر جا نامی از نماز آمده، زکات نیز ذکر شده است تا مؤمنان گمان نکنند با ادای نماز تکلیفشان تمام می‌شود. «یقیمون الصلوة و یؤتون الزکاة» (توبه 71)

حتی اگر کسی خود توان کمک به نیازمندان را ندارد باید دیگران را به این کار تشویق و تحریص کند و این خود یک وظیفه است. قرآن از زبان اهل دوزخ چنین بیان می‌کند که می‌گویند: «و لایحض علی طعام المسکین» ما دیگران را به اطعام مستمندان تشویق نمی‌کردیم. (حاقه، آیه 34)

احسان و نیکوکاری

نه فقط نسبت به محرومان جامعه، بلکه نسبت به همه افراد جامعه باید انسان روحیه احسان و نیکوکاری داشته باشد. مورد واجب آن، احسان به والدین است که قرآن می‌فرماید: «و بالوالدین احسانا» (بقره، 83) لذا خدمت به پدر و مادر و نیکی به آنها در هر شرایطی لازم است، چه مؤمن باشند و چه کافر، چه محتاج باشند و چه نباشند.

در مورد دیگر افراد جامعه نیز اسلام سفارش‌های متعددی کرده که همه نشانه توجه اسلام به روحیه تعاون و همکاری در میان افراد جامعه است. از جمله این دستورات، وام دادن به یکدیگر است که خداوند خود را گیرنده وام معرفی کرده تا وام دهنده احساس کند به خدا وام می‌دهد و بر این کار تشویق شود. «من ذا الذی یقرض الله قرضاً حسناً» (بقره، آیه 245)

اصلاح ذات البین

افراد جامعه در مقابل اختلافها و نزاع‌هایی که میان برخی مردم وجود دارد مسئولیت دارند و باید میان آنها را اصلاح کنند و آشتی دهند. خداوند مؤمنان را به این امر سفارش نموده و می‌فرماید: «و اصلحوا ذات بینکم» (انفال، آیه 1). البته قرآن برای پیشگیری از بروز چنین اختلاف‌هایی همواره مؤمنان را به عفو و گذشت از یکدیگر سفارش نموده و می‌فرماید: شما که می‌خواهید خداوند از شما بگذرد، چرا خودتان از یکدیگر نمی‌گذرید. «و لیعفووا و لیصفحوا ألا تحبّون أن یغفر الله لکم» (نور، آیه 22)

بنابراین هر یک وظیفه داریم با گذشت از خطای یکدیگر، صلح و صفا را در جامعه حاکم سازیم و اگر در میان دیگران نیز کینه و کدورتی وجود دارد نسبت به رفع آن اقدام کنیم.

عدالت ورزی

جامعه اسلامی بر قسط و عدل بنا می‌گردد و مهم‌ترین شرط حاکم اسلامی، عدالت‌ورزی است. مؤمنان نیز باید به عدالت رفتار کنند و با یکدیگر برخورد عادلانه داشته باشند. نه فقط به دیگران ظلم نکنند، بلکه زیر بار ظلم هم نروند. «لا تظلمون و لا تُظلمون» (بقره، آیه 279).

خداوند همواره مؤمنان را به این معروف بزرگ سفارش کرده و می‌فرماید: «ان الله یأمر بالعدل و الاحسان» (نحل، آیه 90)

و پیامبر را نیز مأمور ساخته تا این فرمان الهی را به گوش مردم برساند: «قل أمر ربی بالقسط» (اعراف، 29)

ازدواج و تشکیل خانواده

انسان نیاز به انس و محبت دارد و این نیاز طبیعی در بستر خانواده به صورت سالم و کامل برآورده می‌شود.

لذا اسلام آحاد جامعه را مأمور ساخته تا نسبت به ازدواج دختران و پسران جوان اقدام نموده و آنان را به عقد یکدیگر در آورند. نه فقط پدر و مادر، بلکه مسئولان جامعه نیز در این امر مسئولیت دارند و هر کس بتواند قدمی در این راه بردارد باید اقدام کند. «وَأُنكحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ» (نور، 32). ازدواج، معروفی است که پیامبر همواره مردم را به آن سفارش کرده و آن را بیمه انسان از بسیاری گناهان دانسته است. طبیعی است که امر به این معروف بزرگ، تنها سفارش زبانی به ازدواج نیست، بلکه باید گام‌هایی عملی برای این امر برداشت.

حیا و عفت

قرآن از یکسو با تشویق جوانان به ازدواج، زمینه بسیاری از گناهان را در جامعه از بین می‌برد و از سوی دیگر پیامبرش را مأمور می‌سازد تا به دختران و همسران خود و زنان مؤمن، سفارش کند با ناز و کرشمه سخن نگویند، با حیا راه بروند و پای بر زمین نکوبند، مواضع زینت خود را برای مردان نامحرم آشکار نسازند و از مختلط شدن با مردان بپرهیزند. «يا ايها النبي قل لاوزاجك و بناتك و نساء المؤمنین...» (احزاب، 59) همچنین مردان مؤمن را فرمان می‌دهد که نگاه خود را به زنان نامحرم کوتاه کنند و از چشم‌چرانی بپرهیزند. «قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم» (سوره نور، آیه 30).

آری، در جامعه اسلامی به همان میزان که به زنان باید گفت حجاب خود را حفظ کنید، باید به مردان گفت چشمان خود را کنترل کنید.

صبر و استقامت

انسان در انجام تکالیف خود، گاهی دچار تنبلی و سستی می‌شود. یکی از وظایف مؤمن آن است که همواره دیگران را به صبر و پایداری در انجام وظایف دینی سفارش کند تا این تذکرات موجب شود فرد از کوتاهی بپرهیزد. چنانکه در سوره والعصر، سفارش به صبر از ویژگی‌های مؤمنان شمرده شده است. «و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر» (سوره عصر، آیه 3)

البته صبر در برابر مصیبت‌هایی که به انسان می‌رسد و یا صبر در برابر معصیت‌هایی که انسان می‌تواند مرتکب شود، از دیگر مصادیق صبر است که در قرآن و روایات، سفارش دیگران به صبر در این موارد نیز مطرح شده است.

احیای مراکز دینی

در فرهنگ اسلامی حتی عبادت و نیایش نیز به صورت جمعی صورت می‌گیرد و مسلمانان سفارش شده‌اند که نمازهای خود را به جماعت و در مسجد بجای آورند.

هر هفته روزهای جمعه به نماز جمعه بروند، در پایان یک ماه روزه‌داری، نماز عید فطر را به جماعت باشکوه برگزار کنند. زیارت خانه خدا را همراه با دیگر مسلمانان از دیگر نقاط جهان در ایام حج بجا آورند و در یک کلمه در هر محله و منطقه‌ای، مکانی به نام خدا و برای او احداث کنند تا مؤمنان در آنجا گردهم آیند و زمینه‌های الفت و محبت و همکاری میان آنها فراهم شود.

لذا قرآن از یک سو به احداث و احیای مساجد سفارش نموده و از سوی دیگر از مؤمنان خواسته با بهترین لباس و به بهترین شکل در مراسم نماز جماعت حضور یابند. در زمان رسول خدا و جانشینان پس از ایشان، مسجد، مرکز مشورت با مردم، اعزام نیرو برای جهاد با دشمنان، قضاوت میان مردم، رسیدگی به محرومان و حتی محل خواندن خطبه عقد ازدواج بوده است.

وحدت و اطاعت

حفظ و بقای یک جامعه، نیازمند وحدت و یکدلی افراد آن جامعه است. تفرقه و تشتت، یک جامعه را از درون می‌پاشد و ناآرامی و ناآرامی را بدنبال دارد. قرآن همواره مؤمنان را به وحدت سفارش کرده، می‌فرماید: «واعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا» به ریسمان محکم الهی چنگ زنید و دچار تفرقه نشوید. (آل عمران، آیه 103).

البته وحدت باید بر پایه اطاعت از خدا، رسول خدا و حاکمان برگزیده خدا باشد و گرنه کافران نیز بر باطل خود اتحاد و اتفاق دارند.

قرآن در این زمینه می‌فرماید: «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم» (سوره نساء، آیه 59). هر یک از مؤمنان موظف است رابطه اخوت و برادری را که خداوند میان مؤمنان برقرار نموده و فرموده «انما المؤمنون اخوة» (سوره حجرات، آیه 10) حفظ کرده و دیگر افراد جامعه را نیز به این معروف مهم اجتماعی دعوت کند تا جامعه دچار تفرقه نشود.

منکر چیست؟

منکر یعنی کاری که عقل و دین، آن را زشت و ناپسند بداند، بر خلاف معروف که یعنی: کاری که در عرف افراد متدین، پسندیده و نیک شمرده شود. که مهمترین آنها عبارتند از،

ریختن آشغال در کوچه و خیابان، سدّ معبر، سیگار کشیدن، بلند کردن صدا و آزار دادن همسایه، ترساندن همسر و فرزند، تبعیض میان فرزندان، ندادن حقوق زیر دستان و دهها نمونه دیگر .. اکنون بعضی منکرات زیر بنایی را فهرست وار بیان می‌کنیم:

خرافات

در میان مردم، خرافات بسیاری وجود دارد که ریشه منطقی و عقلی ندارد، مثل اعتقاد به نحس بودن عدد سیزده که هیچ دلیلی ندارد، اما گاهی خرافات به اسم دین است که ناشی از جهل مردم نسبت به معارف دینی می‌باشد.

در این موارد وظیفه دانشمندان دینی، بیان حقایق برای رفع خرافات از جامعه است، زیرا در غیر این صورت، مطالب درست دین نیز بخاطر این خرافات مورد بی‌اعتنایی نسل جوان قرار گرفته و کم‌کم اعتقاد مردم نسبت به اصل دین سست می‌شود. قرآن، در سوره انعام به شدت با خرافات زمان پیامبر اسلام مبارزه می‌کند و می‌فرماید: به چه دلیل گوشت برخی از حیوانات را بر خود حرام می‌کنید و برخی را حلال، مگر از جانب خدا دلیلی دارید.

تبعیض در احکام دین

یکی از مهم‌ترین اصول دین، تسلیم بودن در برابر احکام و دستورات الهی است. اما متأسفانه برخی جوانان و خصوصاً قشر تحصیلکرده می‌گویند: ما باید فلسفه و دلیل هر حکمی را بدانیم تا آن را عمل کنیم. هر چه را که فهمیدیم عمل می‌کنیم و هر چه را که نفهمیدیم عمل نمی‌کنیم و در واقع میان دستورات خدا تبعیض روا می‌دارند و به فهم خود عمل می‌کنند نه به دستورات خدا! در حالی که لازم نیست ما دلیل هر حکمی را بدانیم تا به آن عمل کنیم. همین که خدا را عادل و حکیم بدانیم و این حکم را از جانب او بدانیم، کافی است که به دستور او عمل کنیم. درست مثل عمل به نسخه پزشک که وقتی او را پزشک ماهری دانستیم، هر چه گفت عمل می‌کنیم، اگر چه دلیل دستوراتش را ندانیم.

قرآن، تبعیض در احکام دین را نشانه افراد منافق دانسته سخن آنها را چنین نقل می‌کند که می‌گویند:
«نؤمن ببعض و نکفر ببعض» (سوره نساء، آیه 150).

ب. منکرات اجتماعی

مدپرستی و تقلید کورکورانه

مدپرستی، نشانه خودباختگی، برهنگی فرهنگی و بی توجهی به هویت ملی و دینی است. از نظر فقهی، تشبیه به کفار حرام است؛ زیرا یک نوع خودباختگی در برابر فرهنگ ضد دینی است. در روایات می‌خوانیم: حتی در پوشیدن لباس و نوع غذا مستقل باشید و از بیگانگان تقلید نکنید. (وسائل الشیعه، ج 4، ص 385).

شرکت در جلسات گناه

قرآن می‌فرماید: هرگاه در مجلسی حضور یافتید که آیات خدا مورد انکار و مسخره قرار گرفته است، آن مجلس را ترک کنید. "(سوره نساء، آیه 140).

زیرا سکوت و سازش شما، به یاوه‌سرایان جرأت هرگونه توهین و جسارت به مقدسات مذهبی را می‌دهد.

تهمت و آبروریزی

از جمله منکرات اجتماعی، توهین و تحقیر، فحش و ناسزا، غیبت و تهمت و آبروریزی است. قرآن اینگونه رفتار نسبت به دیگران را نشانه افراد جهنمی دانسته و درباره اهل دوزخ می‌فرماید: "هر گروه که به جهنم داخل می‌شوند، به گروه دیگر لعنت و نفرین می‌کنند «كَلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا» (اعراف، 38).

پیروی از شخصیت‌های کاذب

در قرآن آیات فراوانی مردم را از پیروی از مفسدین، مسرفین، گنهکاران، فرومایگان، جاهلان، هوسبازان، غافلان و کافران بازداشته است. برعکس، شخصیت‌های واقعی را انبیا، صدیقین، شهدا و صالحان دانسته و بر هر مسلمانی واجب کرده است که در هر نماز پیروی خود را از خط آنان اعلام کند و بگوید: «اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیهم»

سوءظن و تجسس و غیبت

قرآن با صراحت می‌فرماید: "بعضی گمان‌ها گناه است." (سوره حجرات، آیه 12)

سوءظن، زمینه تجسس و تجسس، زمینه غیبت و غیبت، مهم‌ترین عامل برای گسستن محبت‌ها، پیوندها و اعتمادهاست.

سعایت

قرآن می‌فرماید: «هرکس بین دو مسلمان فتنه‌گری، سخن‌چینی، میانجی‌گری بد، ایجاد کدورت و پرده‌داری کند، برای او سهمی از کیفر است." (نساء، آیه 85).

بی تفاوتی

در حدیث می‌خوانیم: «اگر کسی ناله مظلومی را بشنود و به او پاسخ ندهد، مسلمان نیست» (بحارالانوار، ج 74، ص 339)

قرآن می‌فرماید: "چرا برای نجات مستضعفان قیام نمی‌کنید؟ (سوره نساء، آیه 75).

البته، این بی‌تفاوتی نسبت به جامعه است؛ اما گاهی انسان نوعی بی‌تفاوتی درونی نسبت به خود پیدا می‌کند که در برابر دیده‌ها و شنیده‌ها عبرت نمی‌گیرد، سنگدل می‌شود، قطره اشکی هم ندارد. قرآن بارها از این گروه انتقاد کرده است؛ «وَإِذَا دُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ» (سوره صافات، آیه 13).

اشاعه فحشا

نه تنها اشاعه فحشا بلکه علاقه به آن هم گناه بزرگی است؛ درحالی که علاقه به هیچ گناهی (تا مادامی که انجام نگرفته) گناه نیست. (سوره نور، آیه 19).

چاپلوسی و غلو

در نهج البلاغه می‌خوانیم: "ستایش بیش از حد، تملق و کمتر از حد، نشانه حسادت است." (نهج البلاغه، حکمت 347).

البته این در مورد چاپلوسی نسبت به افراد عادی است؛ و گرنه ستایش افراد ستمگر، به گفته حدیث، عرش خدا را به لرزه در می‌آورد. (بحارالانوار، ج 77، ص 152).

ج . منکرات خانوادگی

بروز آلودگی و خلافکاری در خانواده، سرچشمه فساد و تبه‌کاری در آینده می‌شود. از مهم‌ترین منکرات خانوادگی، سوء استفاده از سرمایه همسر، مهریه‌های زیاد، توقع مراسم و تشریفات بیش از حد و دخالت‌های نابجای بستگان عروس و داماد است.

حضرت شعیب علیه السلام وقتی خواست دخترش را به حضرت موسی علیه السلام بدهد، دو نوع مهریه را پیشنهاد کرد و سپس فرمود: "انتخاب یکی از مهریه‌های پیشنهادی باشماست؛ زیرا من بناندارم بر تو سخت بگیرم و تو را به مشقت بیندازم." (سوره قصص، آیه 27).

از دیگر منکرات خانوادگی، بی‌توجهی به فرزندان و تبعیض میان آنهاست؛ همان‌گونه که شوخی‌های نابجا، انتقادات ناصحیح و خدای ناکرده سخنان ناروای والدین در حضور فرزندان و یا دروغ‌هایی که والدین به

یکدیگر می‌گویند و فرزند آنرا می‌فهمد، هریک آثار شومی در تربیت فرزندان و سرنوشت آینده آنها خواهد داشت.

د . منکرات اقتصادی

منکرات اقتصادی بسیار است که ما به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم:

ربا که به منزله اعلام جنگ با خداست. (سوره بقره، آیه 279).

گران‌فروشی، غش در معامله، فروش جنس معیوب و احتکار. کم‌فروشی که قرآن می‌فرماید: «وَيْلٌ لِلْمُطَفِّفِينَ» «وای بر کم‌فروشان!» و سپس در ادامه می‌فرماید: "مگر ایمان به معاد ندارید که کم‌فروشی می‌کنید؟" سوره مطففین، آیه 1 و 5 البتّه کم‌کاری کارمندان و معلمان نیز مثل کم‌فروشی بازاریان است.

رشوه

در حدیث می‌خوانیم: "رشوه‌دهنده و رشوه‌گیرنده هر دو در آتش هستند." (کنز العمال، حدیث 15077).

ه . منکرات نظامی

غفلت از دشمن

قرآن در این زمینه می‌فرماید: کفار دوست دارند که شما از اسلحه و امکاناتی که دارید، غافل باشید تا با یک یورش شما را نابود کنند. (سوره نساء، آیه 102).

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: تعجب می‌کنم که شما نسبت به دشمن خواب و غافل هستید، ولی دشمن نسبت به شما بیدار است. (نهج البلاغه، خطبه 34)

فرار از جبهه

قرآن می‌فرماید: "جز آنها که برای تهیه ساز و برگ نبرد باز می‌گردند، یا آنها که به یاری گروهی دیگر می‌روند، هرکسی که پشت به دشمن کند، مورد خشم خدا قرار می‌گیرد و جایگاه او جهنم است که بدجایگاهی است. (سوره انفال، آیه 16)

قرآن خطاب به پیامبر می‌فرماید: "بر جنازه کسانی که از شرکت در جبهه سرباز زدند، نماز مگذار و حتی بر سر قبر آنها مرو. (سوره توبه، آیه 84).

نافرمانی از فرماندهی

در قرآن می‌خوانیم: "مؤمنان واقعی کسانی هستند که به خدا و پیامبرش ایمان آورده‌اند و هرگاه با رسول اکرم صلی الله علیه وآله در کاری به طور دسته‌جمعی باشند، تا از او اجازه نگیرند، مرخصی نمی‌روند. (نور، 62)

غنیمت‌گرایی

در جنگ احزاب، آنچه سبب شکست مسلمانان و کشته شدن عده‌ای از آنان گردید، غنیمت‌گرایی گروهی از رزمندگان بود که مأموریت خود را رها کرده و به جمع کردن غنائم مشغول شدند.

و . منکرات سیاسی

پذیرفتن طاغوت‌ها و رهبران ناهل

اولین وظیفه انبیا بعد از دعوت به توحید، مبارزه با طاغوت است؛ «إِنَّ اَعْبُدُوا اللّٰهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل، 36)

نه تنها پیروی از طاغوت گناه است، بلکه کمک به او، رضایت بر کار او، دعای به او، علاقه به زنده بودن او، لبخند بر روی او، احترام به او، مسافرت برای دیدار او، بیعت با او، بدرقه او، تشویق او و سکوت در برابر او نیز گناه است

پذیرفتن عوامل بیگانه

قرآن با کمال صراحت می‌فرماید: "بیگانگان را مستشار خود قرار ندهید" (سوره آل عمران، آیه 118)

مداهنه و سازش

از آرزوهای دشمنان نسبت به ما، دست برداشتن از اصول و ارزشهای اسلامی و سازش با آنان است. (سوره قلم، آیه 9)

پخش شایعات

پخش هر خبری که مسلمانان را به وحشت اندازد، جامعه را متزلزل و یا روحیه‌ها را تضعیف کند، ممنوع است. (سوره نساء، آیه 83)

بزرگ کردن دشمن

در قرآن می‌خوانیم: "عده‌ای از منافقین به مسلمانان می‌گفتند: از کفار بترسید که عده آنها زیاد است. ولی مسلمانان به‌جای آنکه بترسند، بر ایمانشان اضافه می‌شد." (سوره آل عمران، آیه 173).